

عوامل اجتماعی موثر در نشاط اجتماعی دانشجویان

طلیعه خادمیان*

طوبی فرجی**

چکیده

مقاله حاضر بر اساس پژوهشی که با هدف بررسی عوامل موثر در احساس نشاط اجتماعی بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق انجام گرفته است، تنظیم شده است. روش این پژوهش پیمایشی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه مبتنی بر پرسشنامه می باشد. نمونه آماری شامل ۳۵۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق بوده که به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده اند. یافته‌های توصیفی نشان دهنده آن است که میزان نشاط دانشجویان در حد متوسط و پایین می باشد. همچنین مطابق یافته‌های تبیینی بین متغیرهای تاهل، میزان درآمد ماهیانه خانوار، و میزان نشاط آنها ارتباط معنی داری وجود دارد. همچنین بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، خودپنداره مثبت و میزان احساس نشاط همبستگی مثبت و معنی دار و بین متغیرهای احساس محرومیت نسبی و احساس بیگانگی اجتماعی با احساس نشاط همبستگی معنی دار و معکوسی وجود دارد. مطابق یافته‌ها بین جنس، و میزان نشاط اجتماعی آنان ارتباط معنی داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: احساس نشاط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، خودپنداره مثبت، احساس

محرومیت نسبی، بیگانگی اجتماعی

Sonia_khademian@yahoo.com

Toba_fa@yahoo.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

** دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی واحد تهران شمال (نویسنده مسئول)

مقدمه

نشاط و شادابی یکی از نیازهای اساسی انسان به شمار می آید. شاد زیستن آرزوی دیرینه بشر است که در تمدن کهن ایرانیان شادی پدیده الهی محسوب می شود. نشاط اجتماعی یک مسئله عمومی است که تمام ابعاد جامعه و احوالات انسانی را تحت الشعاع قرار می دهد. در حال حاضر با گسترش شهرها و تغییر و تحولات سریع و در هم تنیدگی های مشکلات و معضلات شهری و کاهش گردهمایی گروهی و مکانیکی شدن روابط افراد، انسان امروز دچار خلاء گردیده است. افراد درون این مکانیزم در هم تنیده شهری در تکاپوی شادی و نشاط هستند و بیش از هر چیز به شادی و تفریح نیاز دارند به شادی که منجر به توسعه روابط اجتماعی و فردی می گردد.

احساس نشاط به متغیرهای متفاوت اجتماعی و فردی بستگی دارد که از یک سو این نیازها به حکومت و از سوی دیگر به جامعه و نظام ارزشی در نهایت خود شخص بر می گردد. جامعه از سویی به وجود آورنده شرایطی است که می تواند فرد را به سوی تحقق اهداف و آرزوهای فردی سوق دهد و از سوی دیگر زمینه ساز تحقق فضایی است که فرد می تواند به کنش متقابل و ارتباط با هموعانش که باعث ایجاد آرامش، امنیت، اطمینان خاطر وی است برای یک زندگی مناسب مبادرت ورزد. نشاط در زندگی ترکیبی از شرایط فردی و اجتماعی است. نشاط در زندگی، احساس خوشبختی، اعتماد متقابل و احساس تعهد و موارد مشابه همه در یک دسته فرهنگی قرار دارند و نشانه نگرش فرد به خود جهان پیرامونی است (ازکمپ، ۱۳۷۳: ۶۶). عدم یا کاهش وجود نشاط و شادابی موجب ایجاد آسیبها و نابه هنجاریهای گسترده اجتماعی و فرهنگی گردیده است.

علی رغم وجود پیامدهای نامطلوب عدم وجود نشاط و وجود ده ها پیامد مثبت ناشی از شاد بودن، متاسفانه در این زمینه جامعه ایران بر خلاف تصور، یکی از غمگین ترین و عبوس ترین ملل جهان محسوب می شود. ایران در جدول جهانی شادمانی رتبه پایینی را کسب کرده است رتبه ۹۶ که در مقایسه با ۱۸۷ کشور، رتبه پایینی را نشان می دهد (تنهایی، ۱۳۸۷: ۷). بر طبق گزارش های موجود مردم ایران جز افسرده ترین مردمان کشورهای جهان هستند و افسردگی جزء شایعترین بیماریهای روانی است. تعداد بیماران روانی و بیماران افسرده ثبت شده ایران حدود ۱۵ میلیون نفر اعلام شده و از طرفی جمعیت افراد افسرده را حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد کل جمعیت کشور ذکر کرده اند. در کشور ما سن افسردگی از ۲۷ سال به ۱۷ سال رسیده است (نشریه آمار، ۱۳۸۳: ۳۰). و اگر برنامه ریزی دقیق و مناسبی برای کاهش تنشهای اجتماعی صورت نگیرد باید منتظر افزایش روز افزون افسردگی به ویژه در میان جوانان باشیم. برای غلبه بر افسردگی و کاهش آمار بیماران روانی باید مسئولین امر و دست اندرکاران فکر اساسی نمایند. در جامعه ما کمبود نشاط و شادمانی یک معضل اجتماعی بزرگ است که به دنبال آن افسردگی و بیماریهای روانی می آید. از این رو علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد.

افزایش نشاط و سرزندگی و امید آفرینی فردی و اجتماعی مفهومی بیش از یک احساس شادی و رضایت و خرسندی سطحی و معمولی دارد. به تجربه ثابت شده شادی و نشاط ماده اولیه تغییر جامعه و تحول و تکامل درونی انسان هاست. در جامعه خوشحال و خرسند تولید بهتر، اشتغال بیشتر و اقتصاد سالم تر خواهد بود و بدون شک چنین محیطی امنیت اجتماعی و فردی راحت تر بدست می آید. در محیط شاد ذهن انسان پویا، زیباتر گویا و استعدادش شکوفا می شود. شاد بودن جامعه یکی از عوامل مؤثر به توسعه اقتصادی - فرهنگی و اجتماعی و

سیاسی است و باعث کاهش نابسامانی های خانوادگی و افزایش میل و رغبت تحصیلی و دل به کار دادن و افزایش تولید می شود (عزیزی، ۱۳۸۸: ۱۲).

جهت دستیابی به سلامت عمومی افراد جامعه و رهایی از برخی معضلات جامعه و تنش های اجتماعی باید به نشاط و شادابی افراد جامعه بها داد. این تحقیق در پی پاسخ گویی به سوالات زیر است.

- ۱- وضعیت نشاط اجتماعی در بین دانشجویان چگونه است؟
- ۲- عوامل تأثیر گذار بر نشاط اجتماعی دانشجویان کدامند؟
- ۳- سهم هر کدام از این عوامل در تبیین پدیده مورد نظر (نشاط) چقدر است؟
- ۴- چه راهکارهای را می توان برای افزایش میزان نشاط دانشجویان ارائه داد؟

بررسی سوابق پژوهشی مربوط به موضوع نشاط در ایران نشان می دهد که علی رغم اهمیت مسئله، مطالعه علمی عمیقی پیرامون آن صورت نگرفته است. و پژوهش هایی که در ایران در ارتباط با موضوع انجام شده اند، بسیار اندک می باشند و محدود به چند مورد نادر است.

هزار جریبی و همکارانش در سال ۱۳۸۸ نشان دادند که تقویت نشاط اجتماعی در جامعه به صورت تک علتی نمی باشد بلکه مجموعه ای از عوامل فردی و فرافردی (مثل احساس محرومیت، ارضای نیازها، احساس مقبولیت نزد دیگران، احساس عدالت توزیعی، فضای عمومی جامعه، پایگاه اقتصادی و اجتماعی) می باشد که در تقویت و یا کاهش نشاط در افراد جامعه تاثیر دارد و همچنین دریافتند که در مجموع سه متغیر امید به آینده، ارضای نیاز عاطفی و مقبولیت اجتماعی توانسته ۵۳۷/۰ درصد از تغییرات متغیر نشاط اجتماعی را تبیین کنند (هزارجریبی و همکارانش، ۱۳۸۸ : ۱۱۹-۱۴۶). هوشنگ نائی در سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانواده های تهرانی؛ به پیوستگی متغیر احساس خوشبختی با متغیرهای رتبه شغلی، تحصیلات، درآمد، اوضاع اقتصادی، رضایت شغلی، رضایت کلی از زندگی، اعتماد به دیگران و عدم پیوستگی آن با بیگانگی پی برد (نائی، ۱۳۷۴: ۱۶).

معیدفر موضوع فقدان شادی های اجتماعی و نشاط، از منظر رویکردهای مختلف جامعه شناختی و با استفاده از شش رویکرد نظری به طرح مساله فقدان شادی های اجتماعی و نشاط می پردازد و در نهایت این رویکردها را به دو دسته تقسیم می کند. دسته اول: دسته ای که خواهان تغییرات بنیادین هستند (رویکردهای بی سامانی اجتماعی، نابسامانی اجتماعی، جامعه شناختی، تضاد ارزشی) و دسته دوم آنهایی که خواهان تغییر ذهنیت گروههایی که این مساله را طرح کرده اند (رویکردهای برچسب زنی، سازه گرایان). وی در این بررسی رویکردهای دسته دوم را به عنوان رویکرد خود نسبت به این مساله انتخاب می کند و معتقد است: "جامعه در شرایط عادی، خود برطرف کننده و تامین کننده نیازهای خود می باشد" (معیدفر، ۱۳۸۱: ۲۶).

امینی نشاط اجتماعی را با دو رویکرد، ۱- رویکرد آسیب شناختی (به فرد یا جامعه ای که از اختلالات روانی بدور باشد و از افسردگی و دل مردگی مبرا باشد)، ۲- از پر انگیزی جامعه و فرد در فعالیت های اجتماعی به عنوان نشاط بررسی کرد. و توجه به نشاط را با تاکید به جوان بودن جمعیت مطرح می کند و به طرح شاخص های شادی و تاثیر مهم مذهب بر نشاط بر افراد جامعه پرداخت و دریافت، جامعه زمانی به نشاط اجتماعی دست می یابد که افراد

جامعه از زندگی لذت برده و برایشان زندگی معنا دار و هدفمند باشد و بیم و هراسی وجود نداشته باشد. (علی امینی، ۱۳۸۰: ۳۲-۲۳).

هیلز و آرگایل^۱ در سال ۱۹۹۷ به رابطه مثبت مذهب و همبستگی هایی میان عامل اجتماعی (OHI) و رابطه شان با شادی که بهزیستی را تولید می کند پرداختند (Hills & Argyle, 2000: 157-172). آرگایل (۲۰۰۱) مؤلفه های رضایت از زندگی، کارآمدی و اجتماعی بودن، سلامت شناخت مثبت، احساس خوشی و عزت نفس را از عوامل مهم شادکامی مطرح می کند (Argyle, 2001: 44-55). آرگایل (۱۹۹۹) در یک نتیجه گیری کلی از پژوهش های انجام شده در مورد ارتباط عوامل دموگرافیک دریافت که متغیر های مختلف دموگرافیک مثل سن، جنس، شغل، در آمد و... فقط ۱۵ درصد از واریانس شادی را تبیین می کنند (Argyle, 1989: 189-203). جانسون و کروگر^۲ (۲۰۰۶) دریافتند که برخورداری مالی و میزان درآمد فعلی با میزان رضایت از زندگی و شادکامی رابطه مثبت و معنی داری دارد (Johnson & Krueger, 2006: 69-689).

جامع ترین و در عین حال عملیاتی ترین تعریف را از نشاط وینهون^۳ ارائه کرده است. بر اساس این تعریف نشاط به درجه یا میزانی اطلاق می شود که شخص درباره مطلوبیت کیفیت کل زندگی خود قضاوت می کند به عبارت دیگر نشاط به این معناست که فرد به چه میزان زندگی خود را دوست دارد (وینهون، ۱۹۸۴؛ به نقل از جعفری، ۱۳۸۱: ۱۶). همین طور نظریه داینر^۴، یکی از مطرح ترین نظریات می باشد. طبق نظریه داینر خوشبختی ذهنی مفهومی معادل با نشاط است. از نگاه وی، خوشبختی ذهنی شامل تمامی ارزیابی های مثبت و منفی ای می شود که مردم در مورد زندگی اشان انجام می دهند. از طرفی شامل ارزیابی های شناختی همچون کیفیت زندگی و رضایت از زندگی و حتی عکس العمل های عاطفی در برابر وقایع زندگی همچون شادی یا ناراحتی می باشد (Diener, 2000: 41-72) در خصوص نظریات تبیین کننده نشاط اجتماعی^۵ نظریه های مختلفی ارائه شده است. "نظریه پایگاه اجتماعی و سلامتی فکری و جسمی" گیلبرت و ساپولسکی^۶ (۱۹۹۲) و "طبقه اجتماعی"^۷ کوکین (۱۹۸۹) تحت مقوله بندی پاریلو و همکارانش (کیفیت ناشی از برخورداری) بر این اساس می توان گفت، تفاوت های اجتماعی افراد با افسردگی ارتباط دارد.

از نظر لین^۸ (۱۹۹۵) تفاوت های اجتماعی بیانگر آن است که برخی از افراد ناتوان ترند و دارای فرصت ناکافی اند و منابع کم تری نسبت به دیگران دارند. کنترل و دسترسی به منابع اجتماعی در بین پایگاه های اجتماعی متفاوت است. افراد واقع در پایگاه های بالا کنترل و دسترسی بیشتری به منابع دارند و برعکس، افرادی که در پایگاه پائین قرار دارند کنترل و دسترسی کمی به منابع اجتماعی دارند. برخورداری از منابع امکان مقابله با عوامل استرس زا را برای طبقات بالا بهتر فراهم می کند. لذا افراد واقع در طبقه اجتماعی - اقتصادی بالا از افراد واقع در طبقات پائین

¹ Hills & Argyle

² Johnson & Krueger

³ Veenhoveen

⁴ Diener

⁵ Social Happiness

⁶ Gilber & Sapolsky

⁷ Social classification

⁸ lin

کمتر افسرده اند افرادی که پایگاه اولیه آنها پایین است و افرادی که پایگاه بعدی شان در پایین قرار می‌گیرد وضعیتی مشابه در ارتباط با کنترل و دسترسی به منابع دارند. عدم کنترل و دسترسی به منابع زمینه بروز افسردگی را برای افراد واقع در پایگاههای پائین فراهم می‌کند (Nelsen, ۱۹۹۶: ۷۳-۴ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۶: ۲۲۶).

کمپر و کولین^۱ (۱۹۹۰) هم با دو مفهوم رابطه‌ای قدرت و منزلت در تئوری اش منشاء اجتماعی عواطف را در سطح تعاملات اجتماعی توضیح می‌دهد. از نظر او افسردگی به عنوان یک عاطفه، پیامد از دست دادن منزلت می‌باشد. به عبارتی روابط قدرت و منزلت بین کنشگران اجتماعی حامل پیامدهای عاطفی برای آنهاست. وقتی منزلت یک کنشگر افزایش می‌یابد، این افزایش منزلت بطور معمول موجب احساس خشنودی در او می‌شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۷: ۲۲۹-۲۲۶).

اینگلهارت (۱۹۷۹)، در نظریه "رضایت از زندگی" که هم معنا با مفهوم "لذت ذهنی از زندگی" و پنهون است، بیان می‌کند که ارزش‌ها و احساس سعادت رابطه تنگاتنگ اما پیچیده‌ای دارند. انسان موجودی هدفمند است و تا زمانی که به آنچه می‌خواهد دست نیابد، احساس رضایت نمی‌کند. وقتی که مردم به خواسته ارزشمندی می‌رسند، احساس خوشبختی و رضایت می‌کنند. از نظر او دوره‌های طولانی سعادت و ناکامی می‌تواند هنجارهای متداول در یک جامعه را قوی تر یا سست تر کند و به تمایلات نسبتاً منفی یا مثبتی منتهی گردد سطح پایین رضایت از زندگی به گرایش‌های منفی نسبت به کل جامعه مربوط می‌شود (عبدی و گودرزی، ۱۳۷۸: ۳۲).

وی همچنین اهمیت رضایت از زندگی را در چارچوب مفهوم فرهنگ مدنی مورد توجه قرار می‌دهد، فرهنگ مدنی شامل مجموعه شاخص‌های رضایت از زندگی، اعتماد به یکدیگر، رضایت سیاسی و احساس خوشبختی است. او معتقد است تداوم نهادهای دموکراتیک و سطح توسعه اقتصادی با شاخص‌های فرهنگ مدنی مرتبط است (همان: ۴۴). رضایت از شغل، خانه، زندگی خانوادگی و اوقات فراغت تاثیر بیشتری بر رضایت کلی از زندگی دارد. رضایت کلی از زندگی قسمتی از نشانگان گسترده نگرشهایی است که نشان می‌دهد شخص نگرشی نسبتاً مثبت یا منفی نسبت به جهانی که در آن زندگی می‌کند دارد (همان: ۴۶). به طور کلی رضایت از جنبه‌های مختلف زندگی، احساس شادمانی را در افراد ایجاد می‌کند. خلاصه نتایجی را که اینگلهارت از اطلاعات مربوط به رضایت از زندگی می‌گیرد می‌توان چنین اشاره کرد: الف- رضایت از زندگی و خوشبختی با سطوح نسبتاً بالای توسعه اقتصادی متناسب است. یعنی ملل مرفه، سطوح نسبتاً بالاتری از رضایت از زندگی را نسبت به ملل فقیر نشان می‌دهند ب- رضایت از زندگی با مجموعه‌ای از نگرش‌ها همبسته است که توأم با مفهوم فرهنگ مدنی را می‌سازند ج- رضایت از زندگی با نگرش‌های اساسی درباره نوع جامعه مرتبط است (همان، ۱۶۰).

چلی (۱۳۷۰) معتقد است اعتماد متقابل ریشه در وابستگی عاطفی دارد که خود از طریق رابطه اجتماعی^۲ با دیگران و عضویت اجتماعی در اجتماعات حاصل می‌شود. رابطه اجتماعی از یک طرف وابستگی عاطفی تولید می‌کند و از طرف دیگر وابستگی ایجاد شده، حافظ این رابطه می‌شود. از دیدگاه گیدنز، ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود با خودمانی شدن رابطه نزدیک دارد. و اعتماد تعمیم یافته را مطرح می‌سازد که

¹ kemper and Collins

² Life Satisfaction

فراتر از اعتماد بین شخصی است و آن را در بر می‌گیرد (امیرکافی، ۱۳۷۴: ۱۱).

گیدنز (۱۹۷۰) هم به عوامل ایجاد کننده اعتماد اشاره می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۰). و معتقد است که در جوامع تحت سلطه نظام‌های انتزاعی و فاصله‌گیری زمانی و مکانی، اعتماد بسیار مهم است و دیگر نیاز نداریم به کسانی اعتماد کنیم که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را مستقیماً می‌توان بازنگری کرد (همان: ۷۶۸). ماهیت نهادهای مدرن عمیقاً وابسته به مکانیسم‌های اعتماد به نظام‌های انتزاعی به ویژه نظام‌های تخصصی است. اعتماد کردن، اعتماد متقابل ایجاد می‌کند و اعتماد در روابط شخصی و همچنین اعتماد تعمیم یافته، تمایل به بسط و گسترش روابط دوستی را افزایش می‌دهد و باعث تعهد و سرخوشی می‌گردد (همان: ۹۹). به طور کلی می‌توان گفت که روابط اجتماعی توأم با اعتماد اثر تعیین کننده بر شادمانی دارد و خانواده را می‌توان یکی از تامین کننده های شادمانی افراد به حساب آورد. خود انسان از نظر گافمن (۱۹۶۴)، در صحنه نمایش و از طریق اجرای نمایش در ارتباط با حضار شکل می‌گیرد و به وجود می‌آید. به نظر گافمن، خود یک چیز اندامی نیست که جای خاصی داشته باشد. (ریترز، ۱۳۷۷: ۲۹۱). داغ از نظر گافمن، به عنوان منبعی از ناخوشایندی برای هر فرد در نظر گرفته می‌شود و به همین دلیل، افراد سعی در پنهان نگه داشتن آن دارند. وی داغ را این گونه تعریف می‌کند: "داغ هر آن چیزی است که ما را بی اعتبار می‌سازد" (میننگ، ۱۳۸۰ به نقل از دستیار، ۱۳۸۵: ۸۱). به عبارت دیگر، هر کسی که بین هویت بالقوه و هویت بالفعلش، شکافی وجود داشته باشد داغ خورده است (ریترز، ۱۳۷۷: ۵۶۲). داغ یک آسیب اجتماعی یا زیستی است که تصور ذهنی دیگران را نسبت به هویت انسان مخدوش و متزلزل می‌کند و اگر خودپنداره مورد انتظارتش نباشد منجر به ناخوشایندی می‌شود (به عبارتی اگر خودپنداره^۱ مورد انتظارتش باشد (مثبت) منجر به شادی و شادکامی (نشاط) می‌گردد) و احتمالاً باعث انگشت نما شدن فرد می‌شود و تصور و خود پنداره فرد را از هویتش، متزلزل می‌سازد و هویت ذاتی و موجود فرد را دچار گسست و شکاف^۲ می‌کند (گافمن، ۱۹۶۴، به نقل از ریترز، ۱۳۷۷: ۲۴).

و یکی از تئوری‌هایی که تا کنون در سطوح مختلف و متعدد در جهت بررسی نارضایتی مورد استفاده قرار گرفته است تئوری محرومیت نسبی می‌باشد. اندیشمندان متعددی چون مرتون (۱۹۳۸)، تد گار (۱۹۷۰)، دیویس (۱۹۶۲) و دیگران تا کنون این تئوری را در زمینه های گوناگون نارضایتی ها به کار برده اند. در نظر مرتون احساس محرومیت در نتیجه مقایسه ای که ریشه در مرجع مقایسه داشته و برای فرد پدید می‌آید اما نارضایتی در پی غلبه احساس محرومیت نسبی بر فرد بروز می‌کند.

گروه مرجع --- مقایسه و ارزیابی از خود --- احساس محرومیت --- نارضایتی

هرچه که فاصله بین انتظارات (یا احساس نیاز) و امکانات ارضاء نیاز بیشتر باشد احساس محرومیت و بی‌عدالتی نسبی بیشتر می‌شود (همان: ۳۱). براساس این دیدگاه انسانها عموماً به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند و در این رابطه وقتی احساس فقر و بی‌عدالتی می‌کنند واکنشهای شدید عاطفی (مانند تعویض شغل، کارشکنی و خودکشی) انجام می‌دهند و وقتی این احساس به اعلی درجه خود برسد به احساس تضاد اجتماعی می‌انجامد و تعارضات

¹ Seif Concept

² gaps

شدیدی را در پی دارد (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۴۵). اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی گردیده و این امر باعث بروز نارضایتی و احساس کسالت (عدم نشاط) در دو سطح فردی و اجتماعی می گردد (گار، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

بنابر نظریه ارزش منزلت، عدالت وقتی به دست می آید که من و شما آنچه را دریافت کنیم که افراد همانند ما به طور کلی دریافت می کنند (کوک و دیگران، ۱۹۹۵، ۲۶۹ / کوک، ۲۰۰۲: ۳۶).

به نظر سیمن واژه بیگانگی امروزه چنان متداول شده که در تبیین هر چیزی بدن رجوع می شود سیمن صور و انواع تظاهرات رفتار بیگانه گونه را در ۵ نوع (احساس بی قدرتی، بی هنجاری یا احساس نا هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس تنفر) قابل تمیز داده است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸). سیمن نیز با استعانت از مفهوم بیگانگی، کوشیده است ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه مدرن را مسئول شرایطی بداند که در آن انسان قادر به فراگیری نحوه و چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیست. از طرفی نحوه کنترل و مدیریت جامعه بر سیستم پاداش اجتماعی به گونه ای است که فرد ارتباطی بین خود و پاداش مآخوذه از جامعه نمی تواند برقرار کند و در چنین وضعیتی است که احساس بیگانگی بر فرد چیره می شود و باعث نارضایتی و کاهش شادی و نشاط فرد می شود او را به کنشی منفصلانه، ناسازگارانه و خشونت آمیز در قبال جامعه سوق می دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۹۲).

جنسیت نیز موضوع تحقیقات زیادی در ارتباط با شادمانی بوده است. داینر و همکاران (۱۹۹۹) معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، اما هنگامی که افسردگی را در نظر می گیریم، موضوع تا حدودی پیچیده می شود. به این صورت که با وجود شادی یکسان زنان و مردان، افسردگی در زنان بیش تر از مردان است. توضیح این امر توسط داینر و همکاران این است که زنان نسبت به مردان هم عاطفه منفی بیش تری و هم عاطفه مثبت بیش تری را تجربه می کنند و برآیند این دو عاطفه، شادی زنان و مردان را یکسان می سازد.

به عقیده آرگایل ازدواج و زندگی خانوادگی به عنوان قویترین اثر در رضایت و شادمانی مورد تایید قرار گرفته اند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۱۹). آرگایل و فارینهام، در جواب این سوال که ازدواج چگونه می تواند مردم را شاد کند؟ سه عامل رضایت در ارتباطات را یافتند و ازدواج بالاترین مقیاس را از بین هرسه بدست آورد (همان: ۱۳۰). اینگلهارت هم نشان داد که در اروپا ۸۱٪ از زنان متأهل از زندگی خود خشنود و یا بسیار خشنود بودند، درحالی که میزان خشنودی افراد مجرد ۷۵٪ بود (همان: ۷۷). دوست داشته شدن و تمجید شدن، عزت نفس را افزایش می دهد و همچنین موجب توسعه خود می شود، بطوری که شخص احساس می کند دیگران بخشی از او هستند. وجود این عوامل در عشق، یک دیدگاه مطلوب را نسبت به دیگران شکل می دهد و دیگران نیز به سمت این تصور حرکت می کنند به طوری که تعارض خود واقعی و خود آرمانی کمتر می شود (کمپل و همکاران، ۱۹۹۴ و هولمز، ۱۹۷۵ به نقل از آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۲۸). به نظر می رسد شادمانی انسان با افزایش ثروت می یابد و کاهش ثروت، شادی را می کاهش دهد. برخی از صاحب نظران نیز همین عقیده را دارند. آرگایل (۱۹۹۹) معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد، درآمد تا اندازه ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می سازد بر شادمانی تأثیر دارد، (به نقل از جعفری، ۱۳۸۱: ۵۵).

شادمانی انسان با افزایش ثروت افزایش می یابد و کاهش ثروت شادی را کاهش می دهد برخی از صاحب نظران نیز همین عقیده را دارند برخی از تحقیقات از جمله داینر، لوکاس اسمیت (۱۹۹۹) چنین گزارش کرده اند که مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادترند اما مایرز چنین بیان کرد که بین سطح درآمد و شادی در میان مردم امریکا و اروپا همبستگی ضعیفی وجود دارد آرگایل معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد. بر اساس چارچوب نظری فرضیه های پژوهش به شرح زیر مطرح شدند:

۱. اگر میزان اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته) افزایش یابد پس نشاط دانشجویان افزایش پیدا می کند.
۲. اگر احساس محرومیت نسبی افزایش یابد پس نشاط دانشجویان کاهش پیدا می کند.
۳. اگر احساس بیگانگی اجتماعی افزایش یابد پس نشاط دانشجویان کاهش پیدا می کند.
۴. اگر رضایت از زندگی افزایش یابد پس نشاط دانشجویان افزایش پیدا می کند.
۵. اگر فرد خودپنداره مثبت تری داشته باشد پس از نشاط اجتماعی بالاتری برخوردار است.
۶. اگر فرد از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری برخوردار باشد پس از نشاط بالاتری برخوردار می باشد.
۷. به نظر می رسد بین درآمد و میزان نشاط اجتماعی رابطه وجود دارد.
۸. به نظر می رسد میزان نشاط اجتماعی بین دختران و پسران متفاوت است.
۹. به نظر می رسد میزان نشاط اجتماعی بین مجردان و متأهلان متفاوت است.

مفاهیم اصلی در پژوهش حاضر به شرح زیر معرفی و عملیاتی شدند:

تعریف مفهومی و عملیاتی نشاط: در این پژوهش منظور از نشاط حالات روانی مثبتی است که عبارتند از سطح بالای رضایت از زندگی، شادی ذهنی، سلامت ذهنی و سلامت روانشناختی (راسموس، ۱۹۹۷؛ به نقل از اوجاقی ۱۳۸۴). برای سنجش نشاط از پرسشنامه شادکامی آکسفورد استفاده شده که اولین بار توسط آرگایل و لو (۱۹۸۹) ساخته شد. دارای ۲۹ ماده می باشد که پنج عامل رضایت، خلق مثبت، سلامتی، کارآمدی، و عزت نفس را دربر می گیرد (آرگایل و لو، ۱۹۹۰: ۱۰۱).

تعریف مفهومی و عملیاتی اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی را می توان داشتن دید مثبت و حسن ظن نسبت به افراد جامعه، گروه ها یا سازمانها دانست که تسهیل گر روابط اجتماعی می باشد. برای سنجش اعتماد اجتماعی از نوع تعمیم یافته از پنج شاخص زیر استفاده شده است: ۱- صداقت، ۲- صراحت، ۳- سهیم کردن، ۴- تمایلات همکاری جوانه، ۵- اطمینان (جهانگیری، ۱۳۸۷، صص ۷۰-۷۱).

تعریف مفهومی و عملیاتی بیگانگی اجتماعی: بیگانگی اجتماعی عبارت است از حالتی که فرد احساس می کند که جامعه ای که در آن زندگی می کند خرد کننده و مغایر با نیازمندیهای اوست، در نتیجه این فرایند باعث جدایی ذهنی و عینی او از جامعه می شود بگونه ای که هیچ تعلق نسبت به آن نداشته و حتی بعضاً درصدد نفی آن نیز بر می آید (محسنی تبریزی، ۱۳۷۴: ۱۲). برای سنجش شاخص های بیگانگی اجتماعی از مقیاس هشت مقوله ای لوئیس هریس (احساس بدبینی، احساس بی اعتمادی اجتماعی، احساس انزوا، پوچ گرایی) استفاده شده است. این گویه ها بر اساس طیف لیکرت بیان نموده است. این گویه ها عبارتند از:

- تنها تعداد کمی از مردم آنچه را که من دوست دارم، می پسندند
- افرادی که مثل من فکر می کنند تعداد زیادی نیستند.
- تقریباً هیچ کس قادر به درک مسائلی که برای من اتفاق می افتد، نیست.
- مسئولان جامعه، واقعاً نگران آنچه که برای افرادی چون مثل من اتفاق می افتد، نیستند.
- بازگو کردن مشکلات به دولتمردان بی فایده است چون آنها چندان التفاتی به تقاضاو مشکلات مردم ندارند.

- فکر می کنم به عصری گام نهاده ایم که کمتر می توانیم روی کسی حساب کنیم.
 - من احساس می کنم که در اموراتم تنها رها شدم.
 - من احساس می کنم وقایع مهم جهانی تأثیری روی زندگی من ندارد.
- تعریف مفهومی و عملیاتی احساس محرومیت نسبی: در حقیقت احساس محرومیت نسبی از اختلاف بین آنچه فرد می خواهد و انتظار دارد با آنچه که به دست می آورد و همچنین در مقایسه با دیگرانی که او شرایط خود را با آنها مقایسه می کند، بدست می آید و ممکن است شخص دچار حالتی از احساس محرومیت شود (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۱).
- . به عبارتی می توان گفت که مقایسه عبارت است از فرایندی ذهنی که طی آن فرد به ارزیابی و تطبیق بین شرایط خود با شرایط و وضعیتی که گروه یا فرد مورد نظر وی از آن بر خودار است می پردازد. در این تحقیق، مفهوم احساس محرومیت به وسیله معرف های زیر عملیاتی و مورد سنجش قرار خواهد گرفت: (۱- وضع زندگی، ۲- درآمد، ۳- مسکن، ۴- تحصیلات، ۵- رفاه زندگی، تفریح و ...).

تعریف مفهومی و عملیاتی رضایت از زندگی: رضایت از زندگی سازه ای روانی اجتماعی است که در تعامل منش با ابعاد مختلف حیات اجتماعی (شامل بعد اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)، شکل گرفته و انسان آن را در سلسله مراتب قشریندی اجتماعی تجربه کرده و در تعاملات اجتماعی منعکس می کند (رفیقی نمین، ۱۳۸۷: ۱۰۷). در این تحقیق، مفهوم رضایت از زندگی به وسیله میزان رضایت معرف های زیر عملیاتی و در قالب طیف ۵ قسمتی کاملاً راضی تا کاملاً ناراضی مورد سنجش قرار گرفته است:

- از درآمد خود (و خانواده ام) در حال حاضر راضی هستم.
 - از وضعیت درآمدی خود و خانواده ام نسبت به دو سه سال گذشته راضی هستم.
 - از وضعیت مالی خود و خانواده ام در حال حاضر راضی هستم.
 - از وضعیت سلامت خود و خانواده ام راضی هستم.
 - از وضعیت شغلی خود و خانواده ام راضی هستم.
 - از وضعیت مسکن مان راضی هستم.
 - از توجه مسئولین به انتقادات مردم از مسئولین کشور در اداره جامعه راضی هستم.
 - از روند توسعه و پیشرفت جامعه راضی هستم.
 - در مجموع از زندگی در ایران به جای کشورهای دیگر راضی هستم.
- تعریف مفهومی و عملیاتی خودپنداره: خودپنداره، چارچوبی شناختی است که به واسطه آن به سازمان بندی

آنچه درباره خویش می دانیم، می پردازیم و اطلاعاتی را که به خود مربوط می شوند، بر پایه آن پردازش می کنیم . برای سنجش این متغیر از ۱۰ جفت صفات متضاد شامل صفات ۱- بد و خوب، ۲- شجاع و ترسو، ۳- مصمم و مردد، ۴- ضعیف و قوی، ۵- بزرگ و کوچک، ۶- مریض و سالم، ۷- با استعداد و بی استعداد، ۸- منفعل و فعال، ۹- آهسته و سریع، و ۱۰- کوشا و تنبل که بیانگر خودپنداره فرد می باشد استفاده شده است. هرچه فرد خود را صفات مثبت بشناسد دارای خودپنداره مثبت و هرچه خود را به صفات منفی بیشتر منتصب نماید دارای خودپنداره منفی می باشد. تعریف مفهومی و عملیاتی پایگاه اقتصادی - اجتماعی : این متغیر شاخص تلفیقی است مرکب از میزان درآمد خانوار، سطح تحصیلات پدر، وضعیت شغلی پدر که نشانگر موقعیتی است که فرد در سلسله مراتب اجتماعی (قشربندی اجتماعی) احراز کرده است (محسنی تبریزی؛ ۱۳۸۷:۹۳). این متغیر به واسطه معرفهای (۱- میزان تحصیلات پدر، شغل پدر، میزان درآمد ماهانه خانوار) سنجش و عملیاتی شده است.

روش

این تحقیق از روش کمی و مقطعی و مبتنی بر تحقیق پیمایشی است ابزار گرد آوری داده ها پرسشنامه است. در زمره تحقیقات مقطعی در گروه مطالعات پهنانگر می باشد و واحد تحلیل در سطح خرد است. به منظور گردآوری داده ها از پرسشنامه (دو بخشی) استفاده شده است. بخش اول دربرگیرنده آزمون استاندارد ۲۹ سوالی است تحت عنوان پرسشنامه شادکامی آکسفورد (OHI) که در سال ۱۹۸۹ توسط آرگایل و لو تهیه شده است (علی پور و همکار، ۱۳۷۸:۵۷). در خصوص اعتبار و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد می توان گفت که در تحقیقات مختلف ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تا ۰/۹۲ در فواصل زمانی مختلف گزارش شده است. در ایران نیز توسط علی پور و نوربالا (۱۳۷۸) پایایی مطلوبی برای آن گزارش شده است (به نقل از مطلب زاده، ۱۳۸۳).

در خصوص اعتبار و روایی بخش دوم، پرسشنامه (محقق ساخته) نیز از اعتبار با تایید اساتید صاحب نظر در این زمینه پرسشنامه نهایی لحاظ گردیده است. مقادیر بدست آمده برای آلفای کرونباخ به تفکیک برای همه متغیرهای تحقیق در همه موارد ۷۰ درصد به بالا می باشد، لذا بر این اساس می توان گفت که ابزار گردآوری داده ها (پرسشنامه) از پایایی قابل قبولی برخوردار می باشد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویانی می باشد که در حال حاضر در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شرق مشغول به تحصیل می باشند. براساس گزارش دانشگاه مربوطه، این دانشگاه دارای ۴۸۹۹ دانشجو (اعم از زن و مرد) می باشد. در این پژوهش به دلیل ساختار جامعه آماری از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شده است. در این تحقیق حجم نمونه (نمونه آماری) با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۵۰ نفر تعیین گردید.

یافته ها

جدول ۱: توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک جنس، وضعیت تاهل، تحصیلات

نام متغیر	طبقات	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۲۴۳	۶۹/۴
	مرد	۱۰۷	۳۰/۶
وضعیت تاهل	مجرد	۲۳۵	۶۷/۱
	متاهل	۱۱۵	۳۲/۹
	فوق دیپلم	۱۶۷	۴۷/۷
تحصیلات	لیسانس	۱۰۴	۲۹/۷
	فوق لیسانس	۷۹	۲۲/۶

با توجه به نتایج جدول فوق، ۶۹/۴ درصد از پاسخگویان زن، ۳۰/۶ درصد مرد، ۶۷/۱ درصد مجرد و ۳۲/۹ درصد متاهل بودند. ۴۷/۷ درصد از پاسخگویان تحصیلات فوق دیپلم، ۲۹/۷ درصد تحصیلات لیسانس، ۲۲/۶ درصد تحصیلات فوق لیسانس داشتند.

جدول ۲: توزیع درصد پاسخگویان به تفکیک هر یک از متغیرها

میزان	پایین	متوسط		بالا		میانگین	جمع
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		
نشاط	۸۷	۲۴/۹	۶۰/۹	۵۰	۱۴/۳	متوسط رو به پایین	۱۰۰
رضایت از زندگی	۷۲	۲۰/۶	۷۵/۱	۱۵	۴/۳	متوسط	۱۰۰
اعتماد تعمیم یافته	۸۲	۳۳/۴	۸۶/۶	۲۸	۸	متوسط	۱۰۰
محرومیت نسبی	۲۹	۸/۳	۲۹/۱	۲۱۹	۶۲/۶	بالا	۱۰۰
بیگانگی اجتماعی	۷۲	۲۰/۶	۳۶/۹	۱۲۹	۴۲/۶	متوسط رو به بالا	۱۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۱۸۲	۵۲	۳۴/۹	۴۶	۱۳/۱	متوسط رو به پایین	۱۰۰
خودپندار	۹۷	۳۷/۷	۲۰/۱	۵۷/۴	۱۴/۹	متوسط	۱۰۰
درآمد	۳۶	۱۰/۳	۲۳/۱	۶۶	۲۳/۷	متوسط	۱۰۰

شاخص کلی میزان احساس نشاط اجتماعی از حاصل جمع نظرات پاسخگویان در مورد ۲۷ گویه بدست آمده است که نتایج آن نشان می دهد که میزان نشاط ۲۴/۹ درصد دانشجویان در حد پایین بوده است، ۶۰/۹ درصد در حد متوسط، ۱۴/۳ درصد در حد بالا بوده است. به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که میزان احساس نشاط در حد متوسط و متوسط به پائین بوده است. مقدار میانگین بدست آمده نیز تأیید کننده مطلب فوق می باشد.

میزان نتایج حاصله از شاخص اعتماد اجتماعی نشان دهنده این است که بیش از نیمی از پاسخگویان از احساس اعتماد اجتماعی متوسطی برخوردارند. این در حالی است که فقط ۰/۸ درصد از پاسخگویان اعتماد خود را در سطح بالایی و ۲۳/۴ درصد از پاسخگویان نیز میزان اعتماد خود را پایین ارزیابی می کنند. نتایج حاصله از شاخص احساس بیگانگی اجتماعی نشان دهنده این است که ۲۰/۶ درصد در سطح پایینی احساس بیگانگی داشته و بیه عبارتی احساس بیگانگی در آنها در حد ضعیف بوده و در مقابل ۳۶/۹ درصد احساس بیگانگی متوسطی داشته و حدود ۴۳ درصد نیز در سطح بالایی داشته و نتایج به دست آمده از این شاخص گویای شرایط بحرانی جامعه از لحاظ بیگانگی اجتماعی که یکی از مولفه های اساسی ثبات اجتماعی است می باشد.

بررسی نتایج شاخص احساس محرومیت نسبی نشان می دهد که بیش از نیمی ۶۲/۶ درصد از پاسخگویان از احساس محرومیت بالایی دارند و به عبارتی وضعیت و موقعیت خود را بدتر از اکثریت اجتماع می دانند. در مقابل ۸/۳ درصد پاسخگویان وضعیت خود را بهتر از دیگران ارزیابی کردند و ۲۹/۱ درصد از پاسخگویان نه خود را بدتر از دیگران و نه بهتر از دیگران می دانند و در این زمینه تفاوت چندانی بین خود و دیگران قائل نیستند نتایج حاصل از ارزیابی پاسخگویان در مورد پایگاه اجتماعی و اقتصادی نشان می دهد که نیمی از پاسخگویان از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند و ۱۳/۱ درصد از پایگاه بالایی داشته و حدود ۳۵ درصد از پاسخگویان نه پایگاه بالایی دارند و نه پایینی در حد متوسطی قرار دارند. بر اساس ترکیب نمرات شاخص خودپنداره فرد تنها ۲۷/۷ درصد از پاسخگویان دارای خود پنداره ضعیفی هستند ۵۷/۴ درصد در حد متوسط، حدود ۱۵ درصد از افراد مورد مطالعه نیز از خودپنداره قوی برخوردارند. ۲۰ درصد از پاسخگویان از زندگی خود در حد پایین، ۷۵/۱ درصد در حد متوسط و ۴/۳ درصد در حد بالا رضایت دارند.

آزمون فرضیات

جدول ۳: همبستگی متغیرهای اصلی تحقیق با متغیر وابسته

متغیر	اعتماد اجتماعی	بیگانگی اجتماعی	احساس محرومیت نسبی	رضایت از زندگی	خودپنداره مثبت	پایگاه درآمد
مقدار (r)	۰/۷۵۷	-۰/۵۸۲	-۰/۶۴۷	-۰/۷۰۵	۰/۶۹۲	۰/۵۵۸
نشاط Sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰

آزمون فرضیه اول: بررسی رابطه بین اعتماد تعمیم یافته و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: مطابق این یافته ها در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$ بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان نشاط رابطه معنی دار وجود دارد و بر اساس میزان پیروسون $I = ۰/۷۵۷$ شدت این رابطه قوی و مثبت (مستقیم) است به عبارت دیگر هرچه میزان اعتماد اجتماعی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی آنها افزایش می یابد.

آزمون فرضیه دوم: بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین احساس

محرومیت نسبی و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد. و براساس میزان پیرسون $r = - ۰/۶۴۷$ شدت این رابطه قوی و منفی (معکوس) ارزیابی می شود. که بیانگر آن است که هرچه میزان احساس محرومیت نسبی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی کاهش می یابد. آزمون فرضیه سوم: بررسی رابطه بین از خود بیگانگی و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین احساس از خود بیگانگی اجتماعی و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد. و براساس میزان پیرسون $r = - ۰/۵۸۲$ شدت این رابطه متوسط و منفی (معکوس) ارزیابی می شود. که بیانگر آن است که هرچه میزان احساس از خود بیگانگی اجتماعی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی کاهش می یابد و بالعکس.

آزمون فرضیه چهارم: بررسی رابطه بین رضایت از زندگی و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین رضایت از زندگی و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد و براساس میزان پیرسون $r = ۰/۷۰۵$ شدت این رابطه قوی و مثبت (مستقیم) ارزیابی می شود. که بیانگر آن است که هرچه میزان احساس رضایت از زندگی بین دانشجویان افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد.

آزمون فرضیه پنجم: بررسی رابطه بین خودپنداره مثبت و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین خودپنداره مثبت و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد. و براساس میزان پیرسون $r = ۰/۶۹۲$ شدت این رابطه قوی (مثبت) ارزیابی می شود. به عبارت دیگر هرچه دانشجویان خودپنداره مثبت تری داشته باشند میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد.

آزمون فرضیه ششم: بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد و براساس میزان پیرسون $r = ۰/۵۵۸$ شدت این رابطه متوسط و مثبت (مستقیم) ارزیابی می شود. به عبارت دیگر هرچه دانشجویان پایگاه اقتصادی اجتماعی بالاتری داشته باشند میزان نشاط اجتماعی او افزایش می یابد.

آزمون فرضیه هفتم: بررسی رابطه بین درآمد و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: بین میزان درآمد و میزان احساس نشاط در فاصله اطمینان ۹۵ درصد و سطح معناداری $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ارتباط معنی داری وجود دارد. و براساس میزان پیرسون $r = ۰/۳۷۲$ شدت این رابطه ضعیف و مثبت (مستقیم) ارزیابی می شود. به عبارت دیگر هرچه دانشجویان از میزان درآمد بالاتری برخوردار باشند میزان نشاط اجتماعی آنها افزایش می یابد.

جدول ۴: همبستگی جنسیت و نشاط اجتماعی

جنسیت	F	Sig	t	df	Sig	تفاوت میانگین ها	فاصله اطمینان
واریانس برابر	۰/۳۵۸	۰/۵۵۰	۰/۴۱۰	۳۴۸	۰/۶۸۲	۰/۲۷۹	کران پایین کران بالا
واریانس نابرابر			۰/۳۹۷	۱۸۸/۱۶۵	۰/۶۹۲	۰/۲۷۹	کران پایین کران بالا

فرضیه هشتم: بررسی رابطه بین جنسیت و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: با توجه به نتایج آزمون T در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۶۸۲$ میزان درجه آزادی $\text{df} = ۳۴۸$ و میزان $t = -۰/۴۱۰$ تفاوت معنادار نمی باشد. به عبارت دیگر میانگین نشاط در دو گروه دختر و پسر متفاوت نمی باشد. بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق رد و فرضیه H_0 تایید می گردد.

جدول ۵: همبستگی وضعیت تاهل و نشاط اجتماعی

تاهل	F	Sig	t	df	Sig	تفاوت میانگین ها	فاصله اطمینان
کران پایین						کران بالا	
واریانس برابر	۰/۰۳۲	۰/۸۵۹	-۲/۷۹۱	۳۴۸	۰/۰۰۶	-۱/۸۴۷	-۳/۱۴۹
واریانس نابرابر			-۲/۸۲۴	۲۳۳/۶۹۲	۰/۰۰۵	-۱/۸۴۷	-۳/۳۱۵

آزمون فرضیه نهم: بررسی رابطه بین وضعیت تاهل و نشاط اجتماعی در بین پاسخگویان: با توجه به نتایج آزمون T در فاصله اطمینان ۹۵ درصد با سطح معناداری $\text{Sig} = ۰/۰۰۶$ میزان درجه آزادی $\text{df} = ۳۴۸$ و میزان $t = -۲/۷۹۱$ تفاوت معنادار می باشد. به عبارت دیگر میانگین نشاط در دو گروه مجردها و متأهل هم متفاوت می باشد. بنابراین با توجه به اطلاعات موجود فرضیه تحقیق تایید و فرضیه H_0 رد می گردد. با توجه به علامت t که منفی است می توان گفت که میزان نشاط اجتماعی در گروه مجردها بالاتر از متأهل ها می باشد.

تحلیل رگرسیونی نشاط اجتماعی

بر اساس نتایج حاصل از این تحلیل، در طی مراحل مختلف تحلیل رگرسیون، ۶ مدل شناسایی شد که خلاصه ای از این مدل شش گانه را به همراه آماره های مرتبط ارائه می دهد.

جدول ۶: آماره های رگرسیونی

نشاط اجتماعی	میزان همبستگی	مقدار تعیین	درجه آزادی	سطح معناداری
	۰/۹۷۴	۰/۹۴۹	۶	۰/۰۰۰

میزان همبستگی متغیرهای مستقل وارد بر متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) در حدود ۰/۹۷ می باشد که نشان دهنده همبستگی قوی بین متغیرهاست. همچنین ۰/۹۴ درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می شود که رقم قابل توجهی است که سطح معناداری این مورد را تایید می کند.

جدول ۵: مشخص کننده های کلی تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل بر نشاط اجتماعی در ۶ مدل

مرحله	نام متغیر	R	R ₂	مقدار افزوده	خطای استاندارد
۱	اعتماد تعمیم یافته	۰/۷۵۷	۰/۵۷۲	۰/۵۷۱	۳/۸۴۶
۲	خودپنداره	۰/۹۵۷	۰/۹۱۶	۰/۹۱۵	۱/۷۰۸
۳	درآمد	۰/۹۶۲	۰/۹۲۶	۰/۹۲۵	۱/۶۰۹
۴	ازخود بیگانگی	۰/۹۶۵	۰/۹۳۱	۰/۹۳۱	۱/۵۴۷
۵	محرومیت نسبی	۰/۹۶۹	۰/۹۳۹	۰/۹۳۸	۱/۴۵۹
۶	رضایت از زندگی	۰/۹۷۴	۰/۹۴۹	۰/۹۴۸	۱/۳۴۳

بر اساس اطلاعات به دست آمده در جدول همبستگی چند متغیره، در مرحله ششم R برابر ۰/۹۷۴ است و ضریب تعیین به دست آمده در مرحله ششم نشان می دهد که در مجموع ۶ متغیر درون معادله یعنی اعتماد تعمیم یافته، خودپنداره، درآمد، از خود بیگانگی، محرومیت نسبی و رضایت از زندگی حدود ۰/۹۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) را تبیین می کنند.

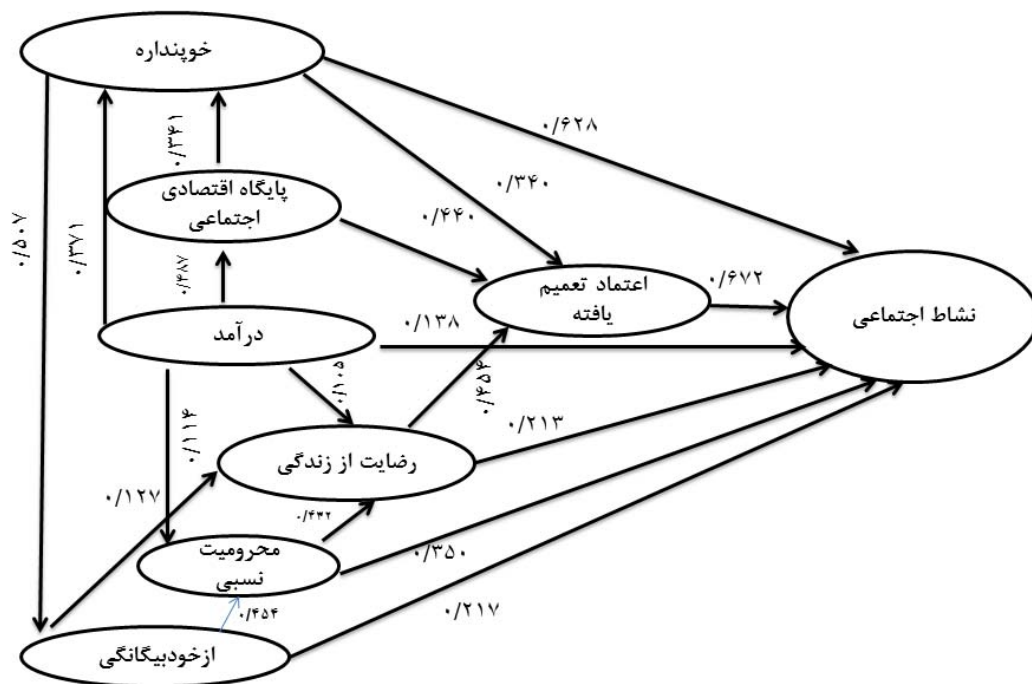
جدول ۶: مشخص کننده های آماری میزان و جهت تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر نشاط اجتماعی

متغیرهای مستقل	ضرایب گرسیونی استاندارد نشده B	ضرایب رگرسیونی استاندارد شده Beta	T	سطح معناداری
عدد ثابت	-۰/۸۲۹		۰/۳۵۷	۰/۷۲۱
اعتماد تعمیم یافته	۰/۸۸۰	۰/۶۲۷	۴۷/۷۶۴	۰/۰۰۰
خودپنداره	۱/۰۰۳	۰/۶۲۸	۳۰/۹۵۲	۰/۰۰۰
درآمد	-۰/۰۰۳	-۰/۱۳۸	-۹/۲۹۴	۰/۰۰۰
ازخود بیگانگی	-۰/۴۱۴	-۰/۲۱۷	-۱۰/۳۵۳	۰/۰۰۰
محرومیت نسبی	۰/۸۰۱	-۰/۳۵۰	۱۰/۶۱۴	۰/۰۰۰
رضایت از زندگی	۰/۳۶۷	۰/۲۱۳	۷/۹۵۷	۰/۰۰۰

اعتماد تعمیم یافته اولین متغیری است که وارد معادله شده و با توجه به میزان t و سطح معنی داری همبستگی بالا و مثبتی با متغیر وابسته دارد یعنی هرچه میانگین نمرات فرد در مورد اعتماد بالاتر باشد میزان نشاط اجتماعی او بیشتر خواهد بود. خودپنداره، درآمد، از خود بیگانگی، محرومیت نسبی، رضایت از زندگی متغیرهای بعدی هستند که به ترتیب بعد از متغیر اعتماد تعمیم یافته وارد معادله شده و همبستگی مثبتی با متغیر وابسته دارند. با توجه به نتایج بدست آمده متغیر "اعتماد تعمیم یافته" با ضریب $B = ۰/۶۷۲$ بالاترین همبستگی را با نشاط اجتماعی دارد. بنابراین میزان نشاط اجتماعی در مرحله اول متاثر از میزان اعتماد تعمیم یافته است. علت مثبت ضریب این متغیر

نشانگر رابطه مستقیم میزان اعتماد بر روی میزان نشاط اجتماعی می باشد. دومین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است خودپنداره با ضریب $B = 0/454$ است یعنی هرچه میزان خودپنداره مثبت تر باشد، میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد. متغیر درآمد با ضریب $B = 0/318$ سومین متغیر تاثیر گزار بر روی نشاط اجتماعی است. یعنی هرچه درآمد افراد بالا رود میزان نشاط اجتماعی افزایش می یابد. چهارمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است متغیر از خود بیگانگی اجتماعی با ضریب تاثیر رگرسیون $B = -0/217$ می باشد علامت منفی نشانگر رابطه معکوس بین متغیر هاست یعنی با افزایش از خود بیگانگی اجتماعی، نشاط اجتماعی کاهش می یابد. پنجمین متغیری که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است محرومیت نسبی با ضریب $B = -0/350$ است شد یعنی هرچه احساس محرومیت نسبی افزایش یابد میزان نشاط اجتماعی کاهش می یابد. آخرین متغیر که به لحاظ وزن بتا وارد معادله شده است متغیر رضایت از زندگی با ضریب تاثیر $B = 0/213$ می باشد که رابطه مثبت و معناداری با متغیر نشاط اجتماعی دارد.

شکل ۱: تاثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل در متغیر وابسته



با توجه به مدل تحلیلی مشخص می شود که متغیرهای (اعتماد تعمیم یافته با ضریب بتای $B = 0/672$)، خودپنداره با ضریب بتای $B = 0/628$ و محرومیت نسبی با ضریب بتای $B = 0/350$) به عنوان متغیرهای کلیدی در افزایش میزان نشاط اجتماعی می باشند.

ضرایب مسیر مدل مشاهده شده (مقادیر بالای علامت پیکان) نشان می دهند. میزان تاثیر مستقیم متغیرها بر نشاط

اجتماعی به ترتیب شامل: اعتماد تعمیم یافته (۰/۶۷۲)، خودپنداره (۰/۶۲۸)، درآمد (۰/۱۳۸)، رضایت از زندگی (۰/۲۱۳)، محرومیت نسبی (۰/۳۵۰)، از خودبیگانگی (۰/۲۱۷) و میزان تاثیر مستقیم متغیرها بر اعتماد تعمیم یافته شامل: خوینداره (۰/۳۴۰-)، پایگاه اقتصادی اجتماعی (۰/۴۴۰)، رضایت از زندگی (۰/۴۵۴) میزان تاثیر مستقیم متغیرها بر رضایت از زندگی شامل: از خودبیگانگی (۰/۱۲۷)، محرومیت نسبی (۰/۴۳۲)، درآمد (۰/۱۰۵) و اثر غیر مستقیم رضایت از زندگی بر اعتماد تعمیم یافته (۰/۴۵۴) و میزان تاثیر مستقیم خودپنداره بر از خودبیگانگی (۰/۵۰۷-) و اثر غیر مستقیم از خودبیگانگی بر رضایت زندگی (۰/۱۲۷)، بر محرومیت نسبی (۰/۴۵۵) و میزان تاثیر مستقیم درآمد بر پایگاه اقتصادی اجتماعی (۰/۴۸۷) و اثر غیر مستقیم پایگاه اقتصادی اجتماعی بر خودپنداره (۰/۳۴۱) و بر اعتماد تعمیم یافته (۰/۴۴۰) و میزان تاثیر مستقیم متغیرها بر محرومیت نسبی از خودبیگانگی (۰/۴۵۵)، خودپنداره (۰/۵۰۷-)، درآمد (۰/۱۱۴-) و اثر غیر مستقیم محرومیت نسبی بر رضایت از زندگی (۰/۴۳۲) و میزان تاثیر مستقیم متغیرها بر خودپنداره شامل: پایگاه اقتصادی اجتماعی (۰/۳۴۱)، درآمد (۰/۳۷۱) و اثر غیر مستقیم خودپنداره بر اعتماد تعمیم یافته (۰/۳۴۰)، از خودبیگانگی (۰/۵۰۷-) و میزان تاثیر مستقیم درآمد بر پایگاه اقتصادی اجتماعی (۰/۳۴۱-) و اثر غیر مستقیم درآمد بر خودپنداره (۰/۳۷۱)، محرومیت نسبی (۰/۱۱۴)، رضایت از زندگی (۰/۱۰۵) و پایگاه اقتصادی اجتماعی (۰/۴۸۷) می باشد.

بحث

شادی و نشاط امری اجتماعی است که در بستر جامعه حاصل می شود و در همان بستر نیز از بین می رود. در این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال پژوهشی که عوامل موثر بر نشاط اجتماعی کدامند؟ با استفاده از نظر نظریه پردازان و شاخص آماری و مدل تحلیل به بررسی رابطه متغیرهای فردی و اجتماعی با نشاط اجتماعی پرداختیم. نتایج تحقیق نشان می دهد که سطح نشاط در میان دانشجویان پایین و بیش از نیمی از افراد (دانشجویان) نشاط و شادمانی شان کمتر از حد متوسط است. به طور کلی عوامل بیشماری بر احساس نشاط افراد تاثیر گذار است بر اساس نتایج جدول (۴) دریافتیم که بین جنسیت دانشجویان و میزان نشاط اجتماعی ارتباط معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر دختر یا پسر بودن، تاثیر مشخص و معنی داری بر میزان نشاط فرد ندارد. بر اساس نتایج جدول (۵) دریافتیم که میزان نشاط اجتماعی در گروه مجردها بالاتر از متأهل ها می باشد. چنانچه که داینر و همکاران (۱۹۹۹) نیز معتقدند که میزان شادمانی زنان و مردان برابر است، این درحالیست که مطابق یافته ها دانشجویان متأهل کمتر از دانشجویان مجرد احساس نشاط می کنند. که با نتایج تحقیق آرگایل (۱۳۸۳) و کمپل و همکاران (۱۹۹۴) همخوانی دارد.

یکی دیگر از موضوعاتی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت بررسی رابطه میزان تقریبی درآمد ماهیانه خانوار و میزان نشاط افراد بوده است، که مطابق نتایج جدول (۳) بیانگر ارتباط مثبت و معنی دار بین وضعیت درآمدی خانوار افراد و میزان نشاط آنها می باشد. که بانتهای تحقیق محققان زیادی از جمله داینر، سو، لوکاس و اسمیت (۲۰۰۰) که دریافتند، مردم کشورهای ثروتمند از مردم کشورهای فقیر بسیار شادترند، آرگایل (۱۹۹۹) و نایی (۱۳۷۴) همخوانی دارد و بین میزان نشاط و اعتماد اجتماعی (I = ۰/۷۵۷)، رضایت از زندگی (I = ۰/۷۰۵)،

خودپنداره مثبت ($r = 0/692$)، پایگاه اقتصادی ($r = 0/558$) رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. یعنی به همان نسبت که افراد در جامعه از اعتماد، رضایت از زندگی و در نهایت خودپنداره مثبتی برخوردارند به همان نسبت فرد از نشاط بالاتری برخوردار است. که با تحقیقات آرگایل، وینهون، اینگلهارت، فوردایس، چلبی و دربخش خودپنداره با نظریات گافمن همخوانی دارد.

و در مقابل مطابق نتایج جدول (۳) بین نشاط و متغیرهای احساس بیگانگی اجتماعی ($r = - 0/647$) و احساس محرومیت نسبی ($r = - 0/582$) رابطه منفی و معکوسی وجود دارد. به عبارتی، به همان نسبت که افراد در جامعه از احساس بیگانگی، و محرومیت بیشتری برخوردار باشند به همان نسبت فرد از نشاط کمتری برخوردار می شوند. که با تحقیقات هزارجریبی و امینی و سیمن همخوانی دارد.

همچنین مطابق نتایج جدول (۶) آزمون تحلیل رگرسیون انجام شده در خصوص تعیین تاثیر متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته نشان داد که متغیرهای اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته)، پایگاه اقتصادی - اجتماعی بیش از ۵۰ درصد از تغییرات و نوسانات نشاط اجتماعی را تبیین می کنند و بر اساس ضرایب بتا اعتماد تعمیم یافته بالاترین همبستگی مثبت را با نشاط اجتماعی دارد. بیشترین اثر کل را در بین متغیرها با نشاط اجتماعی متعلق به متغیر خود پنداره است. با توجه به نتایج حاصل از این مطالعه، احساس محرومیت نسبی از جمله متغیرهای تأثیر گذار شناسایی شده بر نشاط اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه بودند. که البته رابطه منفی و معکوسی با متغیر وابسته (نشاط اجتماعی) داشتند. بنابراین پیشنهاد می شود توجه بیشتری به توسعه کمی و کیفی امکانات و فرصت‌ها بویژه در سطح کلان و توزیع عادلانه آنها صورت گیرد زیرا این امر می تواند منجر به کاهش این احساسات منفی گشته، که به طور طبیعی افزایش رضایت از زندگی و در نهایت افزایش نشاط اجتماعی را نه تنها در بین دانشجویان بلکه در بین همه اقشار اجتماعی می‌شود، در پی خواهد خواهد داشت.

نتایج این پژوهش نشان داد که اعتماد اجتماعی، بخش قابل توجهی از نشاط اجتماعی را تبیین می‌کند. پیشنهاد می‌شود شبکه‌های اجتماعی به ویژه در قالب گروه‌های کوچک و انجمن‌های علمی و ورزشی هم در داخل دانشگاه‌ها و هم در سطح جامعه رشد و تقویت شود تا زمینه افزایش اعتماد اجتماعی که می‌تواند تأثیر قابل توجهی در افزایش اعتماد و به نوبه خود نشاط اجتماعی داشته باشد، ایجاد گردد. نکته پیشنهادی قابل ذکر دیگر توجه و بها دادن به جوانان و سپردن مسولیت‌ها و وظایف به این قشر از جامعه است که می‌تواند باعث تقویت خودپنداره مثبت و کاهش احساس بیگانگی اجتماعی در بین آنان گردد و چنانچه فرد ارزیابی مثبتی از خود و توانایی‌ها و صفات و خصوصیات خود داشته باشد، می‌توان گفت این تفسیر مثبت روح نشاط و شادی را در فرد تقویت کرده و به خانواده و اجتماع سرایت خواهد داد. از آنجا که کسالت و دل‌مردگی و عدم شادابی فضای عمومی جامعه بستر مناسبی برای روی آوردن به مصرف مواد مخدر است. تلاش برای طراوت و سرزندگی فضای کلی جامعه و فراهم آوردن برنامه‌های رفع کسالتی مانند امکانات فرهنگی و تفریحی برای عموم راهکار پیشگیرانه مناسبی به نظر می‌آید. تقویت شبکه پیوندهای اجتماعی مانند قوام خانواده‌ها و کمک به ترمیم بافت روابط خانوادگی، تشکل‌های غیردولتی و گروه‌های مردمی نیز از جمله راهکارهای است که ما را در این امر مهم یاری می‌رساند.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). *روانشناسی شادی*، مترجمین مسعودگوهری و حمید طاهر نشاط دوست و دیگران، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، چاپ دوم، اصفهان.
- امیر کافی، مهدی. (۱۳۷۴). *اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ازکمپ، استوارت. (۱۳۷۳). *روانشناسی اجتماعی کاربردی*. (فرها، هر، مترجم). مشهد: معاونت فرهنگی ستان قدس رضوی.
- تهایی، ابوالحسن، حسینی فر. (۱۳۸۷). *مطالعه جامعه شناختی شادی در نظریه رفتار جمعی و جنبش اجتماعی* هربرت بلومر فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، سال چهارم، شماره سوم.
- جعفری، ابراهیم میرشاه، عابدی، محمدرضا، دریکوندی، هدایت الله. (۱۳۸۱). *شادمانی و عوامل موثر بر آن*، فصلنامه تازه های علوم شناختی، سال ۴، شماره ۳، صص ۵۸-۵۰.
- جهانگیری، پرویز (۱۳۸۷)، *بررسی وضعیت اعتماد تعمیم یافته در بین شهروندان شهر ارومیه*، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس
- رفیقی نمین، شمسی. (۱۳۸۷). *تبیین رضایت از زندگی در بین سه قشر اجتماعی کارگر، کارمند و کاسب شهر تهران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۷). *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر علمی.
- دستیار، فاطمه (۱۳۸۵). *بررسی تاثیر خود پنداری بر رضایت شغلی زنان شاغل در وزارت علوم و تحقیقات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- عبدی، عباس و محسن گودرزی. (۱۳۷۸). *تحولات فرهنگی در ایران*. تهران: انتشارات روش.
- عزیزی، ابراهیم. (۱۳۸۸). *نقش گسترش نشاط و امید با توسعه و رشد، مجله فرهنگ و زندگی شماره ۱۲ شورای عالی فرهنگ و هنر سابق*، صفحه ۱۶.
- علی پور، احمد، نوربالا، احمدعلی. (۱۳۷۸). *بررسی مقدماتی و پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه های تهران: فصلنامه اندیشه و رفتار سال پنجم*. شماره (۱)، ۶۳-۵۵.
- علی امینی، محمود. (۱۳۸۰). *بررسی نشاط اجتماعی*. دبیرخانه فرهنگ عمومی وزارت کشور.
- گار، تدرابرت. (۱۳۷۷). «چرا انسانها شورش می کنند؟» تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی*. (محسن صبوری مترجم)، تهران: انتشارات نی.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). «انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاهها». تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). «آنومی یا آشفتگی اجتماعی». تهران: انتشارات سروش.
- محسنی تبریزی. (۱۳۷۰). *بیگانگی*، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲، انتشارات دانشگاه تهران
- محسنی تبریزی. (۱۳۷۴). *جزوه درسی نظریه های روان شناسی اجتماعی*، دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی. (۱۳۸۶). جزوه درسی نظریه های روان شناسی اجتماعی، دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۷). نظریه های روانشناسی اجتماعی، ویژه دوره فوق لیسانس، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

معیدفر، سعید. (۱۳۸۱). تحلیل فقدان شادی های اجتماعی به عنوان یک مساله اجتماعی در جامعه ایران، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران دفتر مطالعات و پژوهش های راهبردی، اردیبهشت.

مطلب زاده، افسانه. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر شوخ طبعی بر سلامت روانی و شادمانی ذهنی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز

نایی، هوشنگ. (۱۳۷۴). پژوهش در روانشناسی اجتماعی، سنجش میزان احساس خوشبختی سرپرستان خانوارهای تهرانی، کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

نشریه تخصصی آمار. (۱۳۸۳). مرکز مطالعات و تحقیقات آمار ایران

هزار جریبی، جعفر و آستین فشان، پروانه (۱۳۸۸). فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم - شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱ - بهار، صص ۱۴۶-۱۱۹.

Argyle, M., & Lue, L., (1990). *The happiness of extraverts.* Personality & Individual Differences. Vol.11, pp.1011-1017.

Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness.* London: Routledge, pp. 44-55.

Argyle, M., Martin, M., & Crossland, J. (1989). *Happiness as a function of personality and social encounters.* In J. P. Forgas & J. M. Innes (Eds.) Recent advances in Social Psychology: An international perspective New York: Elsevier North-Holland (pp. 189-203).

Cook, J.M., Riggs, D.S., Thompson, R., Coyne, J.C. and Sheikh, J.I. (2002). *Posttraumatic stress disorder and current relationship functioning among world war II ex-prisoners of war.* Journal of Family Psychology. Vol 18, Issue 1, pp.36-45.

Diener, E., & Lucas, R. (1999). *Personality and Subjective Well-being.* In D. Kahneman, E. Diener & N. Schwarz (Ed.), Well-being: The Foundations of Hedonic Psychology. New York: Russell Sage Foundation

Johnson, W., and Krueger, R. (2006). *How money buys happiness: genetic and environmental processes linking finances and life satisfaction.* Journal of Personality and Social Psychology. vol 90, issue 4, 680-691

Argyle, M., and Hills, P. (2000). *Religious experiences and their relations with happiness and personality.* The International Journal for the Psychology of Religion, 10, 157-172